



درس تفسیر سوره مبارکه انشقاق - جلسه ۳

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً (۱۱) وَ يُصَلِّى سَعِيراً (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيراً (۱۵) فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶) وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)﴾.

سوره مبارکه «انشقاق» که در مکه نازل شد همان طوری که در آغاز خلقت سخن از گسترش زمین و تحکیم زمین و جبال است در پایان دنیا سخن از جمع کردن این سفره پهن شده است که فرمود: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ﴾^۱ پهن کردن زمین برای نظام آخرت تا ﴿إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ﴾^۲ باشد اینها کارهای جسمانی و ظاهری مسئله معاد است. یک کار عمیقی را ذات اقدس الهی در قرآن کریم بیان کرد که این از قدرت هیچ قادری بر نمی آید و آن این است که تمام زوایای اعتقاد درونی، اخلاق درونی، نیت های درونی، اوصاف درونی را این تجزیه و تحلیل می کند آن باطنش را صاف نشان می دهد به همه و به انسان می گوید تو این هستی! خیلی از

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۴.

۲. سوره واقعه، آیات ۴۹ و ۵۰.

کارها است که انسان در اثر آن ملکات بد انجام می‌دهد و خودش غافل است اول آگاهانه انجام می‌دهد بعد بر اثر اعتیاد، بعد بر اثر غفلت در درون او یک سلسله خاطراتی است نیت‌هایی است اوصافی است عقایدی است همه اینها در می‌آورد به انسان نشان می‌دهد می‌گوید تو این هستی؛ لذا برخی‌ها احتمال دادند که ضمیر ﴿فَمَلَأَ قِيَهُ﴾ در ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأَ قِيَهُ﴾ این ضمیر به آن «کَدَح» برگردد نه به «الله» یعنی انسان در قیامت تمام عقاید و درون خودش را کاملاً می‌بیند؛ هیچ علمی در دنیا نیست که درون انسان را باطن انسان را عقیده انسان را آن سرشت انسان را خوب ارزیابی کند به انسان نشان بدهد؛ این از دقیق‌ترین کارهای خدا درباره قیامت است. البته این منافات ندارد که به لقای الهی هم برگردد چون وقتی به مشهد، به محضر و به محل ملاقات الهی می‌رسند این صحنه را می‌بینند؛ لذا ﴿فَمَلَأَ قِيَهُ﴾ منافات ندارد که به «لقاء الله» تماس داشته باشد؛ اما ضمیر به «کَدَح» برمی‌گردد؛ یعنی ای انسان تمام عصاره اعمال‌تان را در حضور خدا می‌بینید.

مطلب دیگر این است که بعضی‌ها نمی‌دانند که این نشاط و این خوشحالی و این خنده‌ای که دارند می‌گویند درونش گریه است این را خیلی‌ها نمی‌دانند. ذات اقدس الهی می‌فرماید که این خنده، خنده کاذب است این نشاط، نشاط کاذب است، چون اینها به دین دارند می‌خندند به حق دارند می‌خندند، آن که به دین دارد می‌خندد ظاهر او خنده است باطن او گریه، ما این گریه را درمی‌آوریم، در قیامت ناله می‌کنند و این ناله از عمل خودشان است جای دیگر نیست می‌گویند این کجا بود؟ می‌گویند این درون کارتان بود ما کاری دیگر نکردیم هیچ جای جدایی نیست وقتی اینها سؤال می‌کنند که این صحنه‌ها کجا بود می‌گویند اگر سَمی باشد یک شربت سَمی باشد یا یک نان سَمی باشد یک مقدار عسل روی آن بریزند و به خورد کسی بدهند این جز هلاکت چیزی دیگر که نیست این ظاهرش عسل است باطنش سَم است، می‌فرماید این ظاهرش خنده و نشاط است شما دارید به دین می‌خندید.

یک وقت است که کسی طنزی می‌گوید یک کار خوبی می‌کند یک کار شیرینی می‌کند می‌خندید جای خنده است؛ اما وقتی ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾^۱ دارید به دین می‌خندید، اینکه به دین می‌خندید باطن آن گریه است ظاهر آن خنده است تنها کسی که می‌تواند باطن این اعمال را در بیاورد خداست؛ لذا همان طوری که در جریان هیزم نفرمود ما از جنگل هیزم می‌آوریم خود این ظالم گر می‌گیرد ﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾^۲ از جای دیگر هم ذغال نمی‌آورند همین است؛ می‌فرماید اینکه شما دارید به دین می‌خندید «ظاهره ضحک، باطنه بکاء»، ما این «بکاء» را درمی‌آوریم این چه کاری است از چه کسی برمی‌آید نمونه آن چیست ما در دنیا نداریم، فرمود ما در قیامت این کارها را می‌کنیم.

ملاحظه بفرمایید در همین سوره «انشقاق» استدلال می‌کند ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ * فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا * وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا * وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ * فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا﴾ «ثبور» یعنی هلاک. کسی که به ستوه آمده تقاضای مرگ می‌کند ﴿فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا﴾، بعد هم به آن آتش گداخته گرفتار می‌شود اول «صلی» است بعد «تصلیه» است که بحث آن گذشت. ﴿وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾ چرا ناله می‌زند؟ برای اینکه قبلاً خوشحال بود، قبلاً که خوشحال بود چرا الآن باید ناله بزند؟ برای اینکه این سرور، سرور کاذب است سرور کاذب مثل اینکه یک نان سَمی را شما یک مقدار عسل روی آن بریزید همین! این در فضای دهن به حسب ظاهر شیرین است تا فضای دهن است یک لذت کاذب دارد، اما وقتی به دستگاه گوارش رسید ناله او در می‌آید دلیلی که قرآن ذکر می‌کند می‌گوید اینها خوشحال بودند؛ حالا چرا انسان خوشحال باید جهنمی بشود؟ برای اینکه خوشحالی کاذب دو معنا دارد: ظاهر آن نشاط است، باطن آن اشک و این باطل را درمی‌آید عمل این طور است.

۱. سوره مطففین، آیه ۲۹.

۲. سوره جن، آیه ۱۵.

استدلال قرآن این است که چرا گرفتار شعله می‌شود؟ می‌فرماید برای اینکه خوشحال بود، خوشحالی که شعله ندارد! می‌فرماید بله، اگر خوشحالی صادق باشد بله؛ اما اینها دارند به دین می‌خندند وقتی به دین می‌خندند این ظاهری دارد به نام سرور، باطنی دارد به نام «صَلَى نَار»، به نام سم؛ ما آن باطن را در می‌آوریم. می‌فرماید که ﴿وَيَصْلَى سَعِيرًا﴾ چرا؟ چون ﴿إِنَّهُ﴾ استدلال است برای اینکه قبلاً خوشحال بود؛ قبلاً خوشحال بود چرا امروز باید بسوزد؟ فرمود خوشحالی او به این نبود که تولیدی کرده مشکل جامعه را حل کرده اینها که نبود به دین می‌خندید. این مسخره کردن به دین، نشاط کاذب، «ظاهره ضحک و باطنه بکاء»، باطن در قیامت ظهور می‌کند.

اگر تعلیل نبود این تحلیل‌ها را به همراه نداشت؛ یک وقت می‌فرماید: ﴿وَيَصْلَى سَعِيرًا﴾ و «يَعَذَّبُ كَذَا وَ كَذَا» بله، اما برهان اقامه می‌کند، می‌گوید چرا می‌سوزد؟ برای اینکه خوشحال بود، این دلیل بر آن نیست که کسی خوشحال باشد بسوزد! بله، خودش فرمود: ﴿يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۱ درست است، ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا﴾^۲ این درست است؛ اما حالا به دین کسی بخندد معنایش چیست؟ معنای آن این است که ظاهرش خنده و نشاط است باطنش سم است، این باطن در قیامت ظهور می‌کند. ﴿إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا * إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ﴾، «حار» یعنی «رَجَعَ»؛ این حائر حسینی (صلوات الله و سلام الله علیه) می‌گویند، برای اینکه آب آمد و دور زد و به خود قبر مطهر کار نداشت می‌گویند حائر حسینی، حائر حسینی! منظور از این گمان در اینجا به معنی یقین است، او یقین داشت که حور و رجوعی ندارد و می‌پوسد نه از پوست به در بیاید مرگ آخر راه است این نگاهش این بود.

۱. سوره روم، آیه ۴.

۲. سوره یونس، آیه ۵۸.

بعد می‌فرماید: ﴿بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا﴾ ذات اقدس الهی به تمام ذراتش آگاه بود که او دارد به چه چیزی می‌خندد؟ این خنده از چه نوعی است؟ درون او چیست؟ اگر کسی، یک مال حرامی را بگیرد می‌بینید اوایل سوره مبارکه «نساء» چه می‌فرمود؟ می‌فرماید مال حرام برای همیشه حرام است و برای همه حرام است اما یک کسی که هیچ پناهگاهی ندارد مثل یتیم، مال او زود اثر می‌گذارد. بعد از اینکه فرمود: ﴿وَلِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ﴾^۱ این دو اصل را که گفت، فرمود مال یتیم خوردن - «حوب» یعنی گناه - گناه بزرگی است، یک. دو: کسی که به ایتام دیگران رحم نکرده و غارتگری کرده است مواظب باشد که بعد از مرگ او برای بچه‌های او هم همین خطر پیش می‌آید، بعد از این دو خطر فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾^۲ البته مال یتیم اثرش بیشتر است، «بیت المال» هم همین است اختلاسی هم همین است. فرمود این کسی که دارد مال حرام می‌خورد نه اینکه در قیامت، الآن دارد آتش می‌خورد ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾؛ اما ﴿وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ ناری هم در قیامت است اما الآن دارد آتش می‌خورد؛ منتها قدری عسل روی این سم گذاشتند متوجه نیست، همین! این کار خداست و در قیامت این چیزها با هیچ علمی کشف نمی‌شود، تمام آزمایشگاه‌های دنیا را بیاورید بگویند مال یتیم و غیر یتیم را آزمایش نکنند فرقی ندارد. چیزهایی است که ذات اقدس الهی فرمود ما می‌دانیم اینها نمی‌دانند اینها یک مختصر علم آزمایشگاهی دارند به همین خوشحال‌اند ﴿فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾^۳ ما چیزهایی آوردیم که در آزمایشگاه شما جا ندارد شما به همین آزمایشگاه خوشحال هستید. فرمود وقتی انبیا(علیهم السلام) فرمایشی دارند ﴿فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾، اینها می‌گویند حلال و حرام یعنی چه؟ ما آزمایش می‌کنیم می‌بینیم خبری نیست فرمود آن مطلب را که آزمایشگاه شما نشان

۱. سوره نساء، آیه ۹.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰.

۳. سوره غافر، آیه ۸۳.

نمی‌دهد، شما به همین علم آزمایشگاهی خوشحال هستید این جایی را نشان نمی‌دهد؛ اما وحی می‌گوید این حقیقه نار است، یک شربت شیرینی یا عسلی را روی آن گذاشتند همین! ولی وقتی که به هاضمه می‌خواهد برسد، فریاد او بلند است که ﴿يَدْعُوا ثُبُورًا﴾ می‌گوید مرگ مرگ مرگ! «ثبور» یعنی هلاک. این کار، کار خداست؛ لذا ذات اقدس الهی به پیغمبر فرمود: به مردم بگو خودت هم بدان ما یک حرف‌های تازه‌ای داریم ﴿وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾^۱ نه «ما لا تعلمون»؛ فرمود ما از غیب حرف‌های تازه‌ای داریم، حرف‌هایی داریم که در هیچ جای عالم نیست، تمام علوم پیشرفت بکند همه انسان‌ها هم در کرات دیگر رفت و آمد داشته باشند ترمینال داشته باشند ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ﴾^۲ این حرف‌ها آن جاها نیست که حرام آتش است؛ ظاهر آن نان است میوه است، باطنش شعله است، روی این شعله مقداری عسل ریختند این شیرین نشان می‌دهد با «إِنَّمَا» هم تعبیر کرده است ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا﴾ این حرف‌ها را ما از کجا بفهمیم؟ کسی که - معاذالله - به این حرف‌ها می‌خندد برهان قرآن این است که اینها به دین می‌خندند امروز باید بگیرند؛ کسی که بخواهد تحقیق کند وسیله تحقیق ندارد، ما از چه راه تحقیق بکنیم؟ کدام آزمایشگاه است که این را نشان می‌دهد؟ لذا به پیغمبر فرمود تو هم باهوش هستی هوشی به تو دادیم، اما تو هم نمی‌دانی تا ما نگوییم ﴿وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ﴾^۳ «کان» منفی این اثر را دارد. یک وقت می‌گوییم: ﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^۴ یک استاد می‌تواند به دیگری بگوید چیزهایی که نمی‌دانستی را من یاد دادم این خیلی مهم نیست؛ اما اگر بگوید که تو آن نیستی که زیر این آسمان یاد بگیری، اصلاً هیچ جای عالم نمی‌توانی یاد بگیری، این حرف را غیر از وحی نمی‌تواند بگوید.

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۱.

۲. سوره زخرف، آیه ۸۴.

۳. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

۴. سوره علق، آیه ۵.

فرمود ﴿وَعَلَّمَكَ﴾ تو ای پیامبر ﴿مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ﴾ به ما هم فرمود: ﴿وَيُعَلِّمُكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ شما کجا می‌خواهید این حرف‌ها را یاد بگیرید؟ هیچ جای عالم نیست برهان اقامه می‌کند نه اینکه بگوید اینها که کافران در قیامت می‌سوزند می‌گوید اینهایی که کافر هستند چون خندان هستند امروز آتش را می‌بینند و آتش هم از جای دیگر نیست؛ معلوم می‌شود که این نشاط «ظاهره ضحک و باطنه بکاء»، باطن را در قیامت در می‌آورند. این هم که یک عده به صورت حیوان محشور می‌شوند این هم همین است، این هم از دقایق کار قرآن کریم است که این شخص به نام ترامپ ظاهرش انسان است باطنش را شما هر آزمایشگاهی بروید می‌گوید این انسان است.

یک بیان نورانی از حضرت امیر (سلام الله علیه) است که همه بیانات نورانی است در نهج است که «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ».^۱ «لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ»^۲ همه این بیانات نورانی است؛ سنگ را از هر جا آمد برگردان، امروز اگر دیدید و شنیدید موشکی زدند این سنگی بود که عزیزان ما برگرداندند. ذات اقدس الهی به برکت قرآن و عترت به فرد فرد شما و همه عزیزان ایران اسلامی را خیر دنیا و آخرت بدهد و این عزیزان هم کاری کردند که نیروی انسانی کشته نشود همان تجهیزاتشان باشد. این بیان نورانی حضرت امیر است که فرمود: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» کسی به شما سنگ زد شما هم برگردان و بزن! همین جا بنشین تا سنگ بخوری؟ اگر این حرف‌های از جای دیگر بود می‌گفتم بوی سیاست عادی می‌دهد، این حرف‌ها بوی دیانت است، دیانت ما عین سیاست ماست به تعبیر مدرس (رضوان الله تعالی علیه). این بیان صریح حضرت است در نهج البلاغه فرمود: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ»، «لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ». این برهان قرآن کریم است فرمود کسی که باطن او حیوان است شما تمام آزمایشگاه‌های دنیا را بگردید عکس‌برداری نکنید می‌گوید این آقا انسان است، اما کسی که بگوید: ﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا

۱. نهج البلاغه (للصباحی صالح)، حکمت ۳۱۴.

۲. نهج البلاغه (للصباحی صالح)، خطبه ۲۹.

كَالْأَنْعَامِ^۱ این وحی الهی است، اینکه نمی‌خواهد مسخره کند یا هجو کند. یک وقت شاعری ادیبی کسی را می‌گوید

این حیوان است شعری می‌گوید درباره او، این در حقیقت یک طعن ادبی است این درست است؛ اما ذات اقدس

الهی که فرمود: **﴿إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ﴾** یعنی حقیقتاً حیوان هستند اینکه نمی‌خواهد - معاذالله - شاعرانه حرف بزند.

این بیان نورانی امام سجاد،^۲ یک؛ امام باقر (سلام الله علیهما)،^۳ دو؛ هر دو در صحنه عرفات این کار را کردند یا

نکردند؟! جریان **«مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجَ»** هر دو در سرزمین عرفات به شاگردانشان به بعضی از خواص

اصحابشان نشان دادند یا ندادند؟! این در هیچ جا پیدا نمی‌شود این در آزمایشگاه‌ها و در عکس‌برداری‌ها در هیچ

جای عالم نیست. این است که خدا می‌فرماید ما حرف‌های تازه داریم عمل این چنین است خود شخص این چنین

است عقیده این چنین است رفتار این چنین است؛ لذا **﴿كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ﴾** آن «کدح» را در مشهد

خدا. بیان قرآن این نیست کسی که کافر است جهنم می‌رود، آن تعبیرات سرجایش محفوظ است؛ می‌فرماید چرا

آتش می‌خورد؟ چرا آتش می‌بیند؟ برای اینکه در دنیا می‌خندید خنده دنیا و نشاط دنیا و سرور دنیا چه کار به

شعله قیامت دارد؟ می‌خواهد بفرماید این ظاهرش سرور است باطنش سم است، به همان دلیلی که در اول سوره

مبارکه «نساء» دارد که اینها دارند آتش می‌خورند ولی متوجه نیستند؛ یعنی این ظاهرش اختلاس و نجومی و مانند

آن است باطنش شعله است **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾**

۱. سوره فرقان، آیه ۴۴.

۲. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري (علیه السلام)، ص ۶۰۶ و ۶۰۷؛ «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ وَاقِفٌ بِعَرَفَاتٍ لِلزُّهْرِيِّ كَمْ تَقْدَرُ هَاهُنَا مِنَ النَّاسِ قَالَ أَقْدَرُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ أَلْفٍ وَ خَمْسِمِائَةٍ أَلْفٍ كُلُّهُمْ حُجَّاجٌ قَصَدُوا اللَّهَ بِأَمَانِهِمْ وَ يَدْعُوهُ بِضَجِيجٍ أَصْوَاتِهِمْ فَقَالَ لَهُ يَا زُهْرِيُّ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجَ فَقَالَ الزُّهْرِيُّ كُلُّهُمْ حُجَّاجٌ أَفَهُمْ قَلِيلٌ فَقَالَ لَهُ يَا زُهْرِيُّ أَذْهَبَ لِي وَجْهَكَ فَأَذْنَاهُ إِلَيْهِ فَمَسَحَ بِيَدِهِ وَجْهَهُ ثُمَّ قَالَ انْظُرْ [فَنَظَرَ] إِلَى النَّاسِ قَالَ الزُّهْرِيُّ فَرَأَيْتَ أُولَئِكَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ قِرْدَةٌ لَا أَرَى فِيهِمْ لِسَانًا إِلَّا فِي كُلِّ عَشْرَةٍ أَلْفٍ وَاحِدًا مِنَ النَّاسِ...».

۳. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۸۴؛ «قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِلْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا أَكْثَرَ الْحَجِيجَ وَ أَغْظَمَ الضَّجِيجَ فَقَالَ بَلْ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِيجَ أَ تُحِبُّ أَنْ تَعْلَمَ صِدْقَ مَا أَقُولُ وَ تَرَاهُ عَيْنًا فَمَسَحَ عَلَى عَيْنَيْهِ وَ دَعَا بِدَعَوَاتٍ فَعَادَ بَصِيرًا فَقَالَ انْظُرْ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِلَى الْحَجِيجِ قَالَ فَتَنَظَرْتُ فَإِذَا أَكْثَرُ النَّاسِ قِرْدَةٌ وَ خَنَازِيرُ وَ الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ كَالْكَوْكَبِ اللَّامِعِ فِي الظُّلُمَاءِ...».

نه اینکه در قیامت آتش می خورد، آنکه جمله بعد است، جمله بعد ﴿وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ مربوط به قیامت است؛ اما الآن نمی فهمد. این حرف ها حرف هایی است که فقط ایمان به غیب می خواهد.

پرسش: ...

پاسخ: بله وجود مبارک حضرت طوری بود که کسی حرف می زد می فهمید که منافق است یا مؤمن؛ این را شما با چه چیزی می فهمید؟ الآن کسی که پشت این دیوار باشد حرف بزند ما می فهمیم زن است یا مرد است، بچه است یا بزرگ است، اینها را کاملاً می فهمیم که امر حسی است؛ اما مؤمن است یا کافر است را از کجا بفهمیم، راست می گوید یا دروغ می گوید را از کجا بفهمیم؟ فرمود آن علمی که ما بخواهیم به تو بدهیم همان طوری که در لحن قول، می فهمی که این زن است یا مرد است ولو پشت پرده باشد نامه بنویسد، در حضور شما هم نباشد، می فهمد که منافق است یا مؤمن، این را از کجا می فهمد؟ این علمی نیست که در آزمایشگاه ها مشخص بشود این طور است.

عمده برهان مسئله است؛ غرض این است که در آنجا می فرماید او فقط دارد آتش می خورد آتش قیامت هم سرچایش محفوظ است. اگر این جمله ﴿وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ نبود ممکن بود بعضی ها توجیه بکنند که مال حرام در

دنیا باعث می شود که در قیامت گرفتار آتش می شود، اما مرزها را جدا کرده فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ

الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ این جداست، این اولی جز از راه وحی کسی نمی تواند

بفهمد. یک وقت کسی آمده به محضر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد که فلان کس مُرد، ما به شما

تبریک بگوییم یا تهنیت بگوییم، مثلاً مدتی زحمت کشید؟ فرمود به من تسلیت بگویید تبریک نگویند، چرا؟ برای

اینکه وقتی که غنایم خیبر را می آوردند دست او آلوده شد مقداری از مال غنایم خیبر را گرفت «إِنَّ الشَّمْلَةَ الَّتِي

أَخَذَهَا يَوْمَ خَيْبَرَ مِنَ الْعَنَائِمِ لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ لَتَشْتَعِلْ عَلَيْهِ نَارًا^۱ الآن در قبر است کنار قبر او هم شعله است برای اینکه این را از غنیمت گرفته است؛ حالا حضرت اینجا در مسجد نشسته آنها هم در قبرستان دفن کردند فرمود این مالی را که ایشان از «بیت المال» گرفته الآن کنار قبر او آتش است. «إِنَّ الشَّمْلَةَ» یعنی پارچه «إِنَّ الشَّمْلَةَ الَّتِي أَخَذَهَا يَوْمَ خَيْبَرَ مِنَ الْعَنَائِمِ لَمْ تُصِبْهَا الْمَقَاسِمُ لَتَشْتَعِلْ عَلَيْهِ نَارًا» این را از کجا می‌گویند؟! اینها چیزهایی است که فرمود مشرق بروید مغرب بروید اینها از جای دیگر نمی‌آید فقط از اخبار است. ذات اقدس الهی است که باطن را در قیامت علنی نشان می‌دهد، در آن وقت آدم هیچ راهی برای تکذیب آن ندارد. الآن آقایی که از تمام ریشه‌هایش مالی را فراهم کرده، آن مال را مخلوط کرده خورده، این را که نمی‌تواند انکار کند چون هیچ راهی برای این کار نیست بخواهد انکار کند دستش شهادت می‌دهد دهنش شهادت می‌دهد دستگاه گوارش او شهادت می‌دهد کجا می‌تواند انکار بکند؟ راهی نیست برای انکار کردن.

نکته اساسی قرآن این است که اینها را عطف نکرده است نگفت کسی که گناه کرده در قیامت کیفر می‌بیند فرمود چون می‌خندید الآن شعله در کنار اوست، ﴿إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ مثل اینکه یک پزشک بگوید، این آقا الآن دستگاه گوارش او درد دارد چرا؟ برای اینکه ناپرهیزی کرده است این برهان دارد.

پرسش: اگر کفاری باشند که اهل خنده نباشند تمسخر کنند.

پاسخ: نشاط، این نشاطی که دارد سخن از ضحک نیست خیلی مسرور است که وضع مالی‌اش خوب است از این راه درآورده. حالا کفار مستضعف که دسترسی به دین ندارند، آنها را ذات اقدس الهی مستثنا کرده است. بحث‌های صبح ما هم همین طور بود! الآن مثلاً در بعضی از روستاهای اطراف چین، خدا حفظ کند بعضی از دوستان ما را که

۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۲۵۸؛ الصحيح البخاری، ص ۲۴۶۶.

اوایل انقلاب پیام امام (رضوان الله تعالى علیه) را به آن قسمت‌ها بردند، آنها همین که شنیدند کسی از طرف امام آمده یک روستای دورافتاده چین بود، تمام زن و بچه از آن خانه‌هایشان آمدند به استقبال فقط می‌گفتند «لا اله الا الله، لا اله الا الله!» هیچ یعنی هیچ! - به نحو سالبه کلیه - از اسلام هیچ خبری نداشتند فقط «لا اله الا الله» اصلاً نماز را نمی‌دانستند چیست؛ چون سالیان متمادی بود آبا و اجدادشان را که با کمونیستی از بین بردند اینها که اصلاً دین را نشنیدند هیچ! فقط «لا اله الا الله» را به ارث بردند اینها کافرنند، این کفار مستضعف را که ذات اقدس الهی نمی‌سوزاند؛ حالا یا اعراف است یا جای دیگر است. الآن بخش‌هایی از شوروی سابق هم همین طور است این روستاهای دورافتاده که وسایل اخبار جمعی و اینها که در اختیارشان نیست و هیچ چیزی هم نشنیدند پیغمبر را نشنیدند علی بن ابیطالب و اهل بیت (علیهم السلام) را نشنیدند، اینها مستضعفی هستند که مستثنا می‌باشند.

اما کسی که نه، همین کارهای ولید و مغیره و مانند آنها، در صدر اسلام کارهایشان همین بود. در سوره مبارکه «مطفّفين» که فرمود آنها مؤمنین را که می‌دیدند مسخره می‌کردند می‌خندیدند پیغمبر را که می‌دیدند - معاذ الله - مسخره می‌کردند می‌خندیدند اینها ظاهرش سرور است باطنش اشک و قیامت این باطن را در می‌آورند حالا چه مال حرام باشد چه حيله باشد چه مکر باشد هر چه «أَوْ مَا شئتَ فسمّه»؛ اگر چیزی ظاهرش مطابق با واقع نبود آن واقع را ذات اقدس الهی در می‌آورد و به آدم نشان می‌دهد می‌گوید این است. عمده آن استدلال‌های قرآن کریم است اگر قرآن کریم بفرماید کسانی که در دنیا از راه حرام سرور هستند در قیامت جهنم می‌بینند؛ این راه استدلال ما نداریم که بگوییم این باطن آن است یا نه! اما وقتی استدلال می‌کند می‌فرماید چون سرور هستند ﴿وَيَصْلٰی سَعِیرًا﴾؛ یا در سوره «نساء» می‌فرماید اینکه دارد مال یتیم می‌خورد دارد آتش می‌خورد، نه اینکه در قیامت آتش بشود چون این را با جمله بعد ذکر کرده است که ﴿وَيَصْلَوْنَ سَعِیرًا﴾ این معلوم می‌شود که «ظاهره خُبز و باطنه

سم»، این هم همین طور است. فرمود: ﴿إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً * إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ - معاذالله - فکر می کرد که قیامت نیست ﴿بَلَى﴾ قیامت هست ﴿إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيراً﴾. آن وقت «لقاء الله» این چیزها را به همراه دارد و «ثبور» هم به معنی هلاکت است این برهان تنها در این سوره نیست، در سوره مبارکه «مطففین» هم بود که ﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ * وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ﴾ اینها وقتی می رفتند به خانه یا مرکز کارشان، می خندند که ما مسخره کردیم چه کسی را مسخره می کردند؟ این قهقهه ظاهرش نشاط است باطنش شعله است. استدلال قرآن را ببینید دلیل می آورد می گوید اینها وقتی به خانه هایشان می رفتند می خندیدند چون می خندیدند حالا باید شعله ببینند.

تعبیرات دیگری هم در سوره مبارکه «فرقان» هم مشابه این تعبیر آمده که اینها در دنیا که بودند مثلاً انبیا و اولیای الهی را مسخره می کردند و در قیامت به همان وضع دیگران مبتلا می شوند و در سوره «فرقان» دارد: ﴿وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِيلاً * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذٍ جَاءَنِي﴾.^۱ «ثبوراً» را هم که در این آیه است، در سوره مبارکه «فرقان» به این صورت آمده در آیه سیزده و چهارده: ﴿وَإِذَا الْقَوَا مِنْهَا مَكَاناً ضيقاً مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُوراً * لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً وَاحِداً وَادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً﴾ برای اینکه شما آنجا می خندید؛ یعنی این نشاط، نشاط کاذب است و آن درد، درد صادق یک انسان مست ظاهراً عربده ای می کشد ظاهرش عربده است باطنش فریاد، برای اینکه وقتی به حالت عادی برگشت درد آن شروع می شود این است، این طور نیست که یک چیز بیگانه ای باشد.

بنابراین این استدلال‌های سوره مبارکه «انشقاق» شبیه استدلال‌های سوره مبارکه «مطففین» است. امیدواریم ذات اقدس الهی این نظام را این مردم را و شما را مشمول دعای ویژه ولی عصر قرار بدهد.

«و الحمد لله رب العالمین»